

## بررسی تغییر موضع عایشه نسبت به عثمان

محمدحسین کشاورز<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی منابع تاریخی در شناخت سیره صحابه و چرایی اتخاذ مواضع آنها حائز اهمیت است. این مقاله سعی دارد با روش تحلیلی-تطبیقی منابع تغییر رویکرد عایشه در قبال خلیفه سوم و همچنین اتخاذ رویکردی متفاوت در دوران خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام بررسی کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که تغییر رفتار عایشه نسبت به عثمان چگونه بوده و این تغییر رفتار تا چه حد و با چه الفاظی بوده است؟ آیا میان مواضعی که اتخاذ کرده است اختلاف وجود دارد؟ زاویه های مختلف فکری عایشه نسبت به عثمان چگونه بوجود آمد؟ یافته های پژوهش نشان میدهد که این تغییر رفتارها به ترتیب مدح، ذم و خونخواهی بوده است. وی در بازه ای زمان به مدح خلیفه مشغول بوده و در بازه ای دیگر از زمان مشغول به ذم و شوراندن مردم علیه خلیفه شده و در بازه ای دیگر باز همان مردم را به خونخواهی از خلیفه و شوریدن بر امیرمؤمنان دعوت میکند. بررسی ها نشان میدهد میان ادعاهای وی در خونخواهی از خلیفه با گزارش های تاریخی از عملکرد های وی نه تنها تطابق وجود ندارد بلکه دارای تضاد است.

کلید واژه‌ها: عایشه، عثمان، قتل، اتخاذ موضع، جنگ جمل، قتل خلیفه

---

<sup>۱</sup>. طلبه پایه سوم.

مواضع اتخاذ شده توسط عایشه در خطبه‌ها و نامه‌ها نسبت به خلیفه سوم در دوران ابتدایی خلافت، پایان آن و دوران خلافت امیرمومنان به جهت شناخت تغییر رویکرد‌ها حائز اهمیت بوده و از اهداف این پژوهش است. سوال اصلی این پژوهش این است که بررسی منابع تاریخی تا چه حد میتواند مارا در شناسایی مواضع اتخاذ شده و تفاوت‌های آنها یاری کند و آیا شاهد رفتاری یکسان از وی نسبت به خلیفه بوده ایم یا خیر؟ و این که تغییر موضع نسبت به خلیفه تا چه حد و با ادبیاتی صورت گرفته است؟ ابزار تحقیق منابع تاریخی و روایی است که با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی داده‌ها بدست می‌آید. محدودیت تحقیقی این پژوهش بیشتر ناشی از موقعیت عایشه و عثمان و ضرورت احرام به ایشان در نزد اهل سنت است و لکن در هر صورت در برخی از مجالات گریزی جز ارائه اسناد تاریخی نیست. همچنین تلاش بر آن بوده که تا نام علی علیه السلام بدون در نظر گرفتن مقام شامخ ایشان، صرفاً از جنبه‌ی تاکید بر مقام خلافتی ایشان آورده شود تا مجالی برای هرگونه اختلاف افکنی میان فرق باقی نماند. در خصوص عایشه و شخصیت وی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است که عمدتاً به موضوع جنگ جمل و مواضع او در این جنگ پرداخته شده است اما با عنوان بررسی تغییر رفتار عایشه نسبت به عثمان، اثری نمیتوان یافت. تنها اثری که با موضوع این پژوهش به عنوان پیشینه نزدیک است رفتار شناسی سیاسی تطبیقی عایشه زوجه پیامبر در دوران خلافت امیرمومنان بر پایه نامه‌ها است. (غلامپور ۱۴۰۰)

واقعه قتل عثمان به خوبی توانست آشکارکننده تغییر مواضع مختلف عایشه نسبت به وی باشد. عایشه در طرح ادعای خونخواهی برای عثمان، در واقع به نوعی اقدام عجیبی انجام داد چرا که وی تا قبل از آن مواضعی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده بود و همواره وی را کافر و نعثل میخواند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق؛ ج ۱، ص ۱۵۵؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۸۷) تغییر مواضعی که با مدح و سهم خواهی از عثمان شروع شد سپس به خونخواهی عثمان و در آخر منتهی به جنگ جمل و فضیلت قتل علی گردید.

پژوهش پیش رو با تاکید بر منابع تاریخی حاکی از رفتارهای عایشه نسبت به عثمان به دنبال بیان سیر و ترتیب مراحل مواضعی است که وی نسبت به عثمان اتخاذ کرده است.

مواضع عایشه نسبت به عثمان را میتوان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. دوره تایید و پشتیبانی و مدح

۲. دوران ذم عثمان و مقابله با وی و شورش علیه او ۳. دوران خونخواهی از وی

۱. دوره تایید و پشتیبانی و مدح: سالهای اولیه ی خلافت عثمان عایشه میپنداشت که همچون دوران

حکومت ابوبکر و عمر از احترام خلیفه برخوردار خواهد بود و امتیازاتش همچنان بر دیگر بانوان رسول خدا محفوظ و دستش کماکان در حل و فصل امور باز خواهد بود. روی همین حساب ها بود که عایشه همچون دیگر سران قریش به تایید از مقام خلافت و پشتیبانی بیدریغ خود به مدت شش سال برخوردار نمود. احادیثی که از عایشه روایت شده شامل مدح و ستایش عثمان میباشد و سخنی از کشته شدن او به میان نیامده به احتمال زیاد میتوان گفت که در همین مدت کوتاه یعنی دوره تایید و پشتیبانی عایشه از عثمان روایت شده باشد.

بنابر روایتی عایشه در مدح عثمان میگوید: پیغمبر در رختخواب دراز کشیده و عبای مرا بر روی خود کشیده بود.... تا آنجا که چون عثمان اجازه ملاقات خواست پیامبر به من دستور داد خودت را بپوشان عایشه گفت: ای رسول خدا از آمدن ابوبکر و عمر اینطور دست و پای خود را گم نکردی که اکنون برای پذیرایی و مقابله با عثمان خود را اینگونه آماده میکنی و جامه هایت را میپوشی؟ پیامبر فرمود عایشه چگونه از او ملاحظه نکنم و ارا احترام نگذارم در حالی که به خدا سوگند فرشتگان در محضر عثمان جانب شرم و حیارا نگه میدارند؟ (صحیح مسلم ۱۱۶/۷، مسند احمد ۶/۶۲) به نظر میرسد زمان روایت و انتشار این حدیث به زمان خلافت عثمان بر میگردد چرا که نام خلفای سه گانه به ترتیبی که بر مسند خلافت نشسته اند آمده است. و همچنین میتوان برداشت کرد که حدیث فوق پیش از بروز اختلاف نقل شده است.

۲. دوره ذم عثمان و مقابله با وی و شورش علیه او: یعقوبی در تاریخ خود مینویسد: بین عایشه و عثمان

رنجشی پدید آمد و عثمان دو هزار دیناری را که عمر بر حقوق عایشه نسبت به سایر همسران رسول خدا افزوده بود کسر کرد و حقوق وی را مانند دیگر همسران آن حضرت تعیین نمود. (تاریخ یعقوبی،

۱۳۲/۲؛ تاریخ ابن اعثم ۱۵۵) که با توجه به این نقل کسر درآمد عایشه از بیت المال یکی از اسباب بروز اختلاف و خشم میان آن دو است. در ادامه نیز علل مختلفی دیگر برای این محتوا ذکر خواهد شد

که عبارتند از فرمانداری ولید ابن عقبه بر کوفه و سخت گیری ناجوانمردانه بر ابن مسعود و رفتار

نامناسب با عمار یاسر

در ماجرای ابن مسعود در تقابل عایشه با عثمان چنین آمده است:

ابن مسعود در پاسخ زخم زبان عثمان جواب داد خیر عثمان من چنان کسی نیستم بلکه من یکی از اصحاب رسول خدا هستم که افتخار حضور در جنگ بدر و بیعت رضوان را داشته است. عایشه نیز بانگ برداشت آهای عثمان تو به ابن مسعود همدم و صحابی رسول خدا چنین نسبت می دهی؟! عثمان در پاسخ ام المؤمنین فریاد زد؛ خاموش شو و سپس دستور داد تا ابن مسعود را از مسجد بیرون کنند. (الانساب الاشراف بلاذری ۳۶/۵)

ابن مسعود وصیت کرد که عمار یاسر بر او نماز گزارد و عثمان بر جنازه اش حاضر نشود طبق وصیت او عمل کردند و بی اطلاع عثمان در بقیع به خاک سپرده شد. چون عثمان از مرگ ابن مسعود و به خاک سپردنش خبر یافت خشمگین شد و گفت: بدون اینکه مرا آگاه سازید چنین کردید؟ عمار یاسر در پاسخ گفت: او خود وصیت کرده بود که تو بر او نماز نخوانی (تاریخ یعقوبی ۱۴۷/۲ و بلاذری ۳۶/۶)

محل نزاع دیگری که باعث شدت یافتن درگیری ها شد مربوط به آزار رساندن به عمار یاسر است که عایشه به دفاع از عمار پرداخت:

جریان کار عمار چون به گوش عایشه رسید برآشفته و به عنوان اعتراض به رفتار عثمان مویی از موی رسول خدا و پیراهن و کفشی از آن حضرت را بیرون آورد و به دست گرفت و بانگ برداشت: چه زود سنت و روش پیغمبر خدا صاحب این موی و پیراهن و کفش را پشت سرانداخته ای در حالی که اینها که آثار آن حضرتند هنوز کهنه نشده و از بین نرفته اند جمعیت در مسجد چون دریایی به تلاطم درآمد و بانگ «سبحان الله» از آنان برخاست. عمرو عاص که عثمان او را از حکومت مصر معزول، و عبدالله بن ابی سرح را به جایش تعیین و اعزام داشته و از عثمان سخت رنجیده بود بیش از دیگران اظهار تعجب و حیرت کرده پی در پی و بلند بلند سبحان الله میگفت!!

در این میان عثمان چنان خشمناک و عصبانی شده بود که نمی دانست چه بگوید؟ (بلاذری ۴۸/۵)

سوالی که ممکن در ذهن مخاطب ایجاد شود درباره کیفیت مقابله عایشه با عثمان است که این چنین میتوان آن را تحلیل کرد:

عایشه با وسایلی که چشمگیر بود و احتیاجی به دلیل و برهان، نداشت توانست که شخصیت خلیفه را در یک طرف و سنت و روش رسول خدا و یادگارهای او و بانوان آن حضرت را در طرف دیگر قرار دهد و بدین وسیله یکباره پرده حرمت و احترام او را بدرد و موقعیت و مقام او را در اجتماع تا حد قابل ملاحظه ای پایین آورد تا جایی که قیام علیه شخص خلیفه مهم نبوده بلکه امری شدنی و آسان و بی اهمیت جلوه کند پایین آمدن شخصیت و احترام خلیفه در شخص خلیفه ثابت نماند بلکه از او به مقام خلافت تجاوز کرد و بعد از این وقایع این مقام دیگر آن احترام و منزلت سابق را در جامعه مسلمانان نداشت و بسی کوچک و بی اعتبار شمرده شد و روی همین اصل جسارت و تعدی مردم نسبت به خلفای بعد از عثمان نیز آشکارا به چشم میخورد همچنین از این حوادث پشت سر هم چنین بر می آید که روز به روز روابط بین عایشه و عثمان تیره تر میگردد. او که روزی از پشتیبانان سر سخت عثمان به شمار می رفت، اکنون در زمره قویترین دشمنان او در آمده و گذشت زمان و پیشامدهای ناگوار نیز آتش عداوت و ستیزه را بین آن دو بیش از پیش دامن زده است.

شاید بتوان گفت که بروز مشاجرات لفظی بین آن دو از زمان کاهش مستمری و حقوق او آغاز گردیده و گذشت زمان و حوادثی که در این میان پشت سر یکدیگر پیش آمد و اعتراضات شدید او که مواجه با جوابگویهای تند عثمان میشد سرانجام را از قیافه شخصیتی که از منافع دیگران دفاع میکرد به صورت شخصیتی کینه جو و مصمم در حفظ موقعیت خویش در آورد و او را به عنوان دشمنی سر سخت و قوی در برابر مقام خلافت و شخص خلیفه معرفی نمود. این بار موضوع پیکار و مخالفت عایشه با عثمان نه تنها حفظ مصالح و خواسته دیگران بود بلکه حفظ موقعیت و شخصیت او در این میان بیش از پیش به چشم می خورد.

عایشه انقلاب را رهبری میکند:

و أُشْتُرَكَتْ فِي الْمَعْرَكَةِ أَفْرَادَ أُسْرَتِهَا:

در قیام و شورش علیه عثمان افراد خانواده عایشه از قبیله تیم نیز بیای خاستند.

آنچه را که تا به اینجا گفتیم مهمترین عواملی بودند که آنها را عایشه برای ابراز مخالفت و قیام مردم علیه عثمان دست آویز خود قرار می داد. و الا خلافتکاری ها و اعمال بی رویه عثمان و اطرافیان از خدا بی خبرش بمراتب بیش از اینها بوده بطوریکه هر کدام به سهم خود نهال شورش و انقلاب را علیه دستگاه خلافت و شخص عثمان در دل‌های مردم نشانیده بود. ناگفته پیداست که همه این عوامل در قیام و شورش مردم علیه عثمان و پراکنده شدن غالب اصحاب از پیرامون او بی اثر نبوده است. اما همان مردم شاید بر اثر همان احادیث ساخته و جعلی بود که در خود چنان جرأت و جسارتی را سراغ نداشتند که به روی کسی که خود را جانشین و خلیفه رسول

خدا می نامد به اعتراض بایستند تا چه رسد به اینکه به رویش شمشیر بکشند! اما این جسارت و جرأت را پرخاشهای شدید و شجاعانه ابن مسعود، و عمار یاسر و ابوذر غفاری و جندب و دیگر سران صحابه به آنها داده بود. بنابراین، باروت آماده انفجار و انقلاب مردم تنها نیازمند به یک جرقه بود که این آتش را فتوای تاریخی بر افروخت و سرانجام عثمان را با همه قدرت و موقعیتی که داشت به زیر آورد و به خاک و خون کشید

عایشه به تیزی و فراستی که داشت از آمادگی مردم برای شورش بر علیه عثمان به نفع خویش حداکثر استفاده را، نمود زیرا میدید که مردم از نابسامانی های حکومت عثمان به جان آمده ظلم و پیداد اطرافیان ببیند و بار او کارد را به استخوان آنها رسانیده است با توجه به همین موضوع بود که در مقام حفظ سیادت و موقعیت خویش بر آشفت و در تهیج افکار عمومی و قیام مردم علیه عثمان نقش رهبری را خود بعهده گرفت و آن را آنطور که خود میخواست به ثمر رسانید. ارقام مشوله

مردمی که تشنه انقلاب علیه دستگاه پیدادگر عثمان، بودند سخنان و اقدامات عایشه علیه عثمان آنها را نشاطی تازه می بخشید و به پیرویشان امیدوارتر می ساخت نام عایشه و سخنانش علیه عثمان و اقدامات، او ورد زبان نه تنها شهروندان، مدینه بلکه ساکنان سرزمین حجاز و در نتیجه سراسر کشور پهناور اسلامی شده بود ویژه آنکه افراد خاندان تیم نیز به پشتیبانی از عایشه برخاستند و در این قیام و شورش نقشی حساس به عهده گرفتند.

بلاذری که خود در میان پیروان مکتب خلفا مقامی شامخ دارد در کتاب

انساب الاشراف چنین مینویسد:

افراد خاندان تیم در قیام علیه عثمان به یاری محمد فرزندان ابوبکر و طلحه پسر عموی او به پا خاستند قیام محمد فرزند ابوبکر و برادر عایشه به پایمردی تیمیان از مصر آغاز گردید و این بدان سبب بود که محمد بن ابی بکر و محمد بن ابی حذیفه با تمهیداتی چند در مصر علیه عبدالله بن ابی سرح که از جانب عثمان حکومت آنجا را داشت سر به شورش برداشتند و سرانجام مصر را به تصرف خود در آوردند.

اما بعد از قتل عثمان فضا کاملا متفاوت شده و عایشه ادعای خونخواهی عثمان را به اغراض مختلفی در سر دارد.

آنجا که فرمان قتل بخونخواهی مبدل گردید:

تعسوا تعسوا لایردون الامر لتیم والله لا طلبن بدمه.

وای بر آنان که خلافت را به خاندان تیم بر نمیگردانند من

باید به خونخواهی عثمان بپا خیزم

در اواخر دوران خلافت عثمان، عایشه از اوضاع خلافت سخت منزجر و ناراحت گردید، زیرا از مزایایی که در دوران دو خلیفه اول بهره مند میگشت، محروم شده بود. این بود که عایشه پرچم مخالفت با عثمان را برافراشت کوشش خود را به کار بست و به شهرستانها نامه ها نوشت تا مسلمانان را که نسبت به روش عثمان، بدبین و از دستگاه خلافت منزجر بودند به شورش و انقلاب جدی علیه خلیفه واداشت و چون آتش فتنه را مشتعل و خود را در هدفش موفق، دید به سوی مکه رهسپار گردید و در آنجا رحل اقامت افکند و هر آن در انتظار کشته شدن عثمان و بیعت مردم با طلحه بود طبری در این باره میگوید: روزی مردی به نام اخضر از مدینه وارد مکه گردید، عایشه

او را دید و از وی پرسید اوضاع مدینه چگونه است؟

اخضر: عثمان مصری ها را کشت!

عایشه: انا لله و انا اليه راجعون، راستی عثمان تعدی و طغیان را تا به این حد رسانده است که حتی کسانی را که برای دفاع از حق و مبارزه با ظلم از وی استمداد میکنند به قتل می رساند؟ به خدا سوگند ما به این ظلم و تعدی راضی نخواهیم بود

سپس مرد دیگری پیش عایشه آمد عایشه از وی نیز پرسید اوضاع را چگونه دیدی؟ او گفت: مصری ها عثمان را کشتند.

عایشه گفت: جای بسی تعجب است که اخضر چگونه قاتلها را مقتول پنداشته است؟ و این داستان از آن تاریخ در زبان عربی، به صورت مثل در آمد، که می گویند: فلانی دروغگوتر از اخضر است (طبری ۱۶۶/۵)

بلاذری میگوید هنگامی که خیر قتل عثمان در مکه به گوش عایشه رسید دستور داد در مسجد الحرام خیمه ای برافراشتند، وی در میان آن خیمه قرار گرفت و چنین گفت مردم بدانید! من از کردار و رفتار عثمان چنین پیش بینی می کردم که او روزی برای قوم و خویش خود و ملت مسلمان وسیله بدبختی خواهد گردید، چنانکه ابوسفیان در جنگ بدر برای قوم و خویش خود وسیله بدبختی و بیچارگی شد (الانساب ۹۵/۵)

عده زیادی از مورخین نقل نموده اند که وقتی خبر کشته شدن عثمان، در مکه به گوش عایشه رسید گفت: عثمان از رحمت خدا دور باد او در اثر اعمال زشتش بدین سرنوشت شوم دچار گردید، زیرا خداوند که بر کسی ظلم نمی کند و گاهی میگفت که: «خدا او را از رحمتش دور گرداند؛ گناهانش وی را به ورطه هلاکت انداخت و این گونه در چنگال مجازات اعمال خویش قرار گرفت. ای مردم کشته شدن عثمان شما را دلگیر و محزون نسازد! احمر ثمودی میکنند؛ شتر صالح، که قوم ثمود را به ورطه هلاکت و بدبختی انداخت عثمان نیز مانند، وی در میان شما مسلمانان مایه اختلاف و فساد نگردد!! اگر عثمان کشته شد، اینک طلحه بهترین و لایقترین مردم برای مقام خلافت در میان شما حاضر است با او بیعت کنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید!! عایشه پس از این، سخنان با عجله و سرعت هر چه بیشتر به سوی مدینه رهسپار گردید و در طول راه درباره حوادث و اوضاع مدینه فکر میکرد ولی در رسیدن طلحه به مقام خلافت شک و تردیدی به خود راه نمی داد.



عایشه به سرعت راه مدینه را می پیمود و خود را با این افکار و گفتار سرگرم می نمود که: «عثمان آن مرد یهودی؛ عثمان آن خرفت و احمق از رحمت خدا دور باد! او از رحمت خدا محروم باد عثمان را کنار بگذار از طلحه به من بگو از این شیر میدان جنگ از طلحه به من سخن بگو ای طلحه خوشا به حال پدری که همچو تو فرزندی زاد مردم چه خوب تشخیص داده اند که تنها طلحه را سزاوار پیشوایی یافته اند و او را از دور میبینیم که مردم دست بیعت به وی میدهند و با وی بیعت میکنند مرکب مرا برانید با سرعت برانید تا خود را به وی برسانم عایشه خود را بدینگونه مشغول ساخته بود و راه مدینه را می پیمود تا در اثنای راه با عبید بن ام کلاب که از مدینه می آمد، روبرو گردید، و از وی پرسید: عبید! از اوضاع مدینه چه خبر؟

عبید گفت: عثمان را کشتند و بعد از وی هشت روز بلا تکلیف و بی سرپرست ماندند. عایشه سپس چه؟ عبید: الحمد لله کار بخیر انجامید که مسلمانان دسته جمعی یک دل و یک زبان

علی بن ابی طالب را برای خلافت و سرپرستی انتخاب کرده و با وی بیعت نمودند. عایشه بخدا سوگند که اگر امر خلافت به نفع علی تمام شود. سزا است آسمانها خراب، گردد وای بر تو ای عبید بین که چه میگویی؟

عبید: عایشه خاطرت جمع جریان همان است که .گفتم

از گفتار عبید داد عایشه بلند گردید و فریاد و فغان وی طنین انداز شد

عبید: عایشه تو چرا از بیعت مردم با علی ناراحت و نالانی؟ چرا خلافت علی را خوش نمی داری؟ علی که به مقام خلافت از همه بهتر و سزاوارتر است علی کسی است که در هیچ فضیلتی برای وی همانند و نظیری نیست.

سخن عبید که به این جا رسید عایشه فریاد زد که مرا برگردانید هر چه زودتر برگردانید! او بدینگونه به مکه برگشت ولی شعار سابق خود را، که فرمان بر قتل عثمان می، داد تغییر داده بود و میگفت به خدا سوگند عثمان بیگناه و مظلوم کشته شده است من باید به خونخواهی وی قیام کنم!!

عبید عایشه من از این در شکفتم که تو دیروز به کفر عثمان فتوا، و به قتل وی فرمان می دادی، و او را نعتل و پیر مرد یهودی می نامیدی چه زود گفتار خود را پس گرفتی؟! و امروز عثمان را مظلوم و بیگناه معرفی میکنی؟!!

عایشه آری عثمان چنین بود ولی او خود توبه نمود و این مردم بدون این که بر توبه وی، اعتنا کنند او را مظلوم و بیگناه کشتند گذشته از این شما را با گفتار دیروزی من چه کار؟ آنچه را که امروز میگویم بپذیرید که از گفتار دیروزیم بهتر است.

سپس عایشه به مکه بازگشت؛ و در مقابل در مسجدالحرام از شتر خود پیاده گردید و خود را پوشانید، و به سوی حجر الاسود حرکت نمود در آن هنگام مردم از هر طرف دور او را گرفتند.

عایشه که جمعیت زیادی را در اطرافش مشاهده، نمود آنان را مخاطب ساخت و سوگند به خونخواهی او قیام خواهم نمود گفت: مردم عثمان بیگناه را به قتل رسانیدند؛ و من نیز باید بر مظلومیت وی بنالم و بخدا و گاهی میگفت قبیله قریش علی عثمان را به قتل رسانید، عثمان کسی بود که شبی از زندگیش بهتر از تمام دوران زندگی علی بود.

ابو مخنف نیز همان روایت را نقل نموده سپس می گوید: چون خبر بیعت مردم با علی قبیله تیم برنمیگردانند ۳ به گوش عایشه رسید فریادش بلند گردید که وای بر آنان بدا به حالشان که خلافت را به قبیله تمیم برنمیگرداند.

## نتیجه

به صورت کلی میتوان گفت در هر سه مرحله بازیابی زندگی عایشه و عثمان اغراض مادی و دنیا پرستی بیشترین نمود را داشته است. چرا که عایشه به اغراض مادی ابتدا به جهت کسب منافع مدح عثمان کرده و هنگامی که از جانب وی احساس خطر کرد دست به مقابله با وی زد و پس از قتل وی چون نتوانستند حکومت را از آن خود کنند با ادعای خونخواهی امیرمومنان را متهم رده و دست به جنگ و آشوب زده اند.

## منابع

- ۱- بلاذری، احمد بن یحیی. محقق عبد العزیز دوری، و احسان عباس، و محمد حمید الله، و محمد باقر محمودی. ، أنساب الأشراف، ج ۲، ۱۳۷۵
- ۲- جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ، مصر -، دار المعارف، ج ۲، ۱۳۷۵
- ۳- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی. محقق علی شیری. ، الفتوح، جلد: ۱، ، ۱۴۱۱ ه.ق.، بیروت لبنان، دار الأضواء
- ۴- طبری، محمد بن جریر. محقق محمد ابوالفضل ابراهیم. ، تاریخ الأمم و الملوک، جلد: ۱، ، بیروت - لبنان، [بی نا]
- ۵-، عسکری ، سید مرتضی، نقش عایشه در اسلام، ج ۱ و ۲، منیر، چ اول، ۱۳۹۸